

نوجوانان

ماهنامه فرهنگی - اجتماعی * بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۹ * قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

نوجوانی که از عصر جدید

معروف شد

سنت‌های اسفند ماه در استان‌ها
شهیدی که الگوی نوجوانان امروز شد
پزشک خیری که شهید شد
خانه تکانی ذهن





ماه دلبری

شعبان ماهی بسیار شریف و منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر (ص) در مورد این ماه فرموده است: «شعبان ماه من است و ماه رمضان، ماه خدا، هر کس یک روز از ماه من را روزه بگیرد، من در قیامت شفیع او خواهم بود.»

پیامبر (ص) ماه شعبان را روزه می گرفت و آن را به ماه رمضان وصل می کرد. هنگامی که ماه شعبان فرا می رسید امام سجاد علیه السلام اصحاب خود را فرا می خواند و درباره فضیلت این ماه سخن گفت. امام آنگاه می فرمود: «هر کس برای محبت پیامبر (ص) و تقرب به خداوند، ماه شعبان را روزه بدارد، خداوند او را در روز قیامت مشمول کرامت خود می گرداند و بهشت را برای او لازم می شمارد.» علاوه بر روزه که فضیلت بسیاری دارد، اعمال دیگری همچون نماز و اذکار و دعاها و استغفار نیز در این ماه وارد شده است که در کتاب شریف مفاتیح الجنان در فصل اعمال ماه شعبان ذکر شده است.



سرمقاله	۵
اخبار نوجوان	۶
کیمیک استریپ	۸
کیمیک استریپ	۱۰
پیشنهاد	۱۲
نوجوان موفق	۱۴
خاطره	۱۶
سنت‌ها	۱۸
سلامت روان	۲۰
شهید سلامت	۲۲
دگستنی	۲۴
صفحه شما	۲۶
مهارت آموزی	۲۸
تغذیه سالم	۳۰
داستان	۳۲
معرفی ایران من	۳۴
گفتگو	۳۶
ضرب المثل	۳۸
شعر	۴۰
حکایت	۴۲
پلیکیشن	۴۴
پرواز	۴۶
معرفی شهیدا	۴۸
مسابقه	۵۰

فهرست

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۸۴-۱۸۳ اسفندماه سال ۱۳۹۹
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: رحیم نوریملی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری
دبیر تحریریه: مریم حضرتی
ناظر تولید: سیده فاطمه رضایی

همکاران این شماره:
سارا صادقی- احمد رضا جعفری
ابوالفضل کیمیایی- علی مولزاده
نجمه علی نقیان- اکرم جلیلی
و ...

همکاران گرافیک:
مدیر هنری: محمد نباتی
صفحه آرا: مریم حضرتی
تصویر گر: نجمه علی نقیان

امور فنی: آتلیه نشرشاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قدسی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

نشانی الکترونیکی:
mag.navideshahed.com

ناشر: انتشارات شاهد
تهران- خیابان طالقانی
خیابان ملک الشعراء بهار شمالی- شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴
چاپ: چاپخانه سلامت سلمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* مجله برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال منتشر می‌شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطلب رسیده آزاد است

* مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

لازم‌ترین لازم؛

آن چیزی که من توصیه می‌کنم،

این است که نوجوانان از استعراذ و وقت‌شان فوب استفاده کنند،

فوب درس بفوانند.

ما بیشترین چیزی که امروز لازم داریم این است که

نوجوانان به‌طور جدی درس بفوانند.

سید علی





شاید توهم گاهی به درخت خیره شده باشی و با خودت فکر کرده باشی که اگر این درخت می‌توانست حرف بزند، چه چیزهایی به تو می‌گفت.

درخت یکی از آفریده‌های شگفت‌انگیز و زیبای خداوند است؛ موجودی خاموش، ساکت، صبور، بی‌آزار، پرمفعت و دوست‌داشتنی. درخت، سالیان سال است که بشر را در طول مسیر حیات خود پر حوصله و آرام همراهی کرده است. انسان استفاده‌های فراوانی از درخت در راستای آسایش، آرامش و زندگی خود کرده است. آیا می‌توانی، زمین بدون درخت را تصور کنی؟ بدون درخت خیلی تنها می‌شویم! آن‌قدر که حتی دیگر نمی‌توانیم نفس بکشیم!

در هر آفرینش خداوند بلند مرتبه، رازهای بی‌شماری نهفته است. می‌توانیم حتی از درخت درس‌های زیادی بیاموزیم. از صبوری درخت، از بی‌آزاری درخت، از سخاوت و بخشندگی درخت که سایه و میوه و تمام وجود خود را سخاوتمندانه به انسانها می‌بخشد، حتی از سکوت، وقار و ایستادگی درخت.

استفاد ما، ماه درختکاری است. راستی تو تا به حال چند درخت کاشته‌ای؟

سخن سردبیر





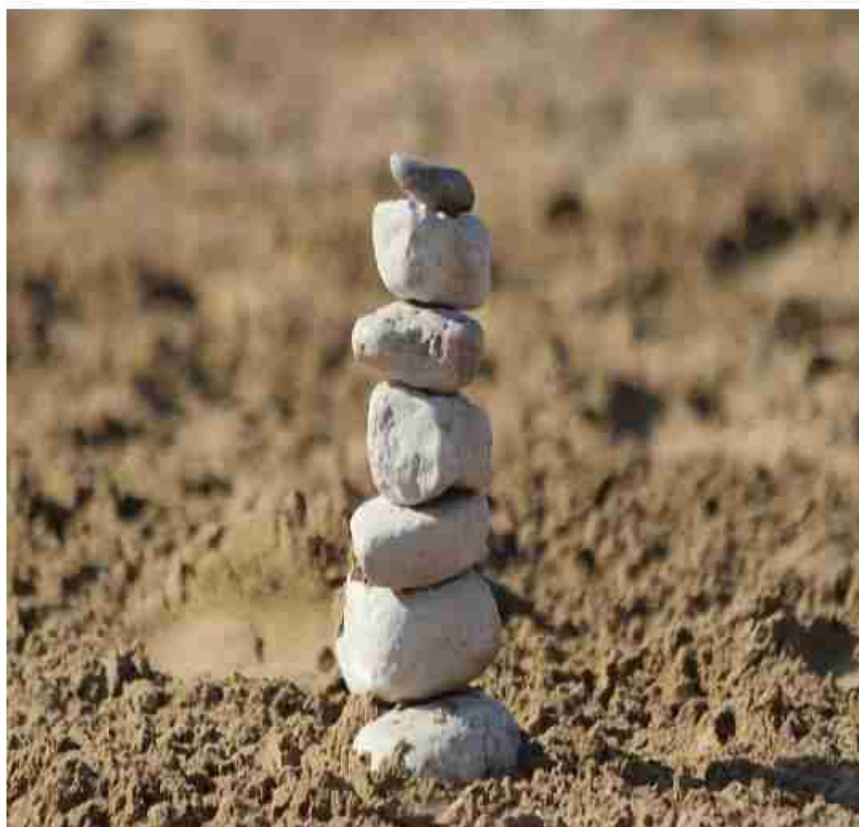
گردآورنده: سپیده رضواند



ابزار جدید سرویس کتاب گوگل برای کودکان و نوجوانان

آموزشی را با استفاده از امکانات صوتی در نظر گرفته شده گوش کنند. آنها حتی می‌توانند صفحات کتاب را با دستورهای صوتی جایجا کنند و در بعضی موارد فایل‌های بادکست کتاب‌ها را دانلود کنند. از دیگر امکانات جدید برای کودکان و نوجوانان معرفی ابزار قدرتمند دیکشنری یا فرهنگ لغات است که به صورت صوتی نیازهای کودکان در درک بهتر معانی لغات را رفع می‌کند. کودکان و نوجوانان کافی است روی یک کلمه از کتاب مورد نظر کلیک کرده و معنی آن را به هر زبانی که خواستند به صورت صوتی دریافت کنند. یکی از سرویس‌های دیگری که گوگل در حال تکمیل آن است قفسه کتاب یا کتاب‌خانه شخصی برای کاربران است که هر کاربری می‌تواند کتاب‌های مورد علاقه خود را انتخاب و برای خود کتابخانه شخصی داشته باشد. این سرویس از کتابخوان الکترونیک کیندل حذف شده است و به نظر کارشناسان این اشتباه آمازون را گوگل به احتمال زیاد تکرار نخواهد کرد.

مسئولان گوگل گفته اند که این شرکت برای کاربران کودک و نوجوان سرویس کتابی را برنامه ریزی کرده که این امکان را می‌دهد که محتواهای آموزشی را با استفاده از امکانات صوتی در نظر گرفته شده گوش کنند. سرویس کتاب شرکت گوگل به نام پلی‌بوکس امسال دهمین سال فعالیت خود را پشت سر می‌گذارد و مسئولان این سرویس محبوب کتابخوان چشم‌انداز روشنی برای آینده آن در نظر گرفتند. از آخرین امکانات این سرویس شرکت گوگل اضافه شدن امکان گوش کردن به کتاب‌های آموزشی کودکان است. سرویس فروش و خدمات کتاب شرکت گوگل اولین بار در سال ۲۰۱۰ رونمایی شد و از آن زمان تا الان به گفته مسئولان گوگل بیش از ۱۳۰ میلیون کتاب از این سرویس دانلود و مطالعه شده است. به گفته مسئولان گوگل امکان جدید سرویس کتاب این شرکت به کاربران کودک و نوجوان این امکان را می‌دهد که محتواهای



گسترش بازی های محلی و بومی عشایر در مدارس

محمد رضا سیفی، مدیر کل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر می گوید باید دانش آموزان در داخل خانه های خود بتوانند همراه اولیا برخی بازی هایی که امکان دارد را به صورت خانوادگی انجام دهند تا در کنار نشاط، سرگرمی و یادگیری صورت گیرد. بازی به عنوان یک ابزار در امر یادگیری محسوب نمی شود بلکه بازی خود یادگیری است و در تقویت هویت و فرهنگ ملی و مذهبی ما تأثیر بسزایی دارد. ما این فعالیت را در فضای مجازی طراحی کرده ایم لیکن جایگاه بازی های بومی محلی در نرم افزار شاد خالی است، ما متوقع هستیم این مهم مورد توجه قرار گیرد.



رمان «محمد (ص)» صوتی شد

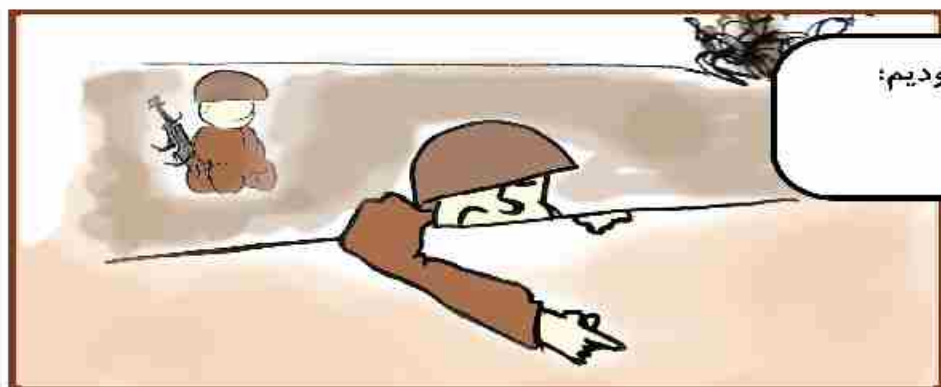
به مناسبت فرا رسیدن مبعث رسول اکرم (ص) رمان «محمد (ص)» نوشته ابراهیم حسن بیگی با صدا بیسگی مهدی طهماسبی صوتی و روانه بازار نشر شد. «محمد (ص)» رمانی بر اساس زندگی پیامبر (ص) در ۱۵ گزارش مجزا از شخص یهودی به شورای عالی یهود است. نسخه صوتی این کتاب با مدت زمان ۱۰ ساعت و ۱۵ دقیقه ضبط و عرضه شده است.

مجموعه هقای لاله زنانه

اوج پانک دشمن بود. زمین
مانند نئو تکان می خورد.



در شیار بین دژ گیر افتاده بودیم:
دیگر آفتاب دیده نمی شد.



فریاد گرفته فرمانده از ورای دود و انفجار آمد:
«دشمن نزدیک شده، شلیک کنید. یالا زود باشید!»



چند دقیقه بعد شدت آتش و
انفجار کم شد.



من که دیگر دشت مقابل را نمی‌دیدم، الله
بختکی شلیک کردم و خشاب سلاحم را عوض
می‌کردم.



دهان و گلویم در تشنگی می سوخت.



با بی حالی به دیواره کانال تکیه دادم و به بغل
دستی ام گفتم: «مقمهات آب دارد؟»



جوابی نیامد.

سرگرداندم و نگاهش کردم.

همه خشک شده بودیم، مجسمه‌های زنده!

یکی در میان یک عراقی بود و یک ایرانی!



همه جیغ کشیدیم.

عراقی‌ها به طرف دشت مقابل فرار کردند



بعدها همه‌اش فکر می‌کردم چطور شد که عراقی‌ها به ما شلیک نکردند؟



۱ یاسوج

کهگیلویه و بویراحمد یکی از استان‌های لرزشین ایران است. مرکز آن شهر یاسوج است و با مساحتی حدود ۱۶ هزار و ۲۴۹ کیلومتر مربع، در امتداد رشته کوه‌های زاگرس و دنیا می‌باشد. از ره‌آورد‌های استان کهگیلویه و بویر احمد می‌توان به نفت و گاز، گردو، عسل طبیعی، ماهی قزل‌آلا و مرکبات اشاره کرد. این استان در شهر دوکتیدان دارای منابع غنی نفتی است و غنی‌ترین نفت را در میان استان‌های نفتی ایران دارد. بنا اینکه این استان یک درصد مساحت ایران را شامل می‌شود اما به تنهایی سی و پنج درصد نفت و گاز ایران را داراست جمعیت کهگیلویه و بویراحمد بر پایه سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۷۱۲٬۰۵۲ نفر بوده که ۵۰ درصد آن‌ها در شهرستان بویراحمد حضور دارند.

مکان: استان کهگیلویه و بویراحمد
نشانی: آبشار مارگون



پیشنهاد

در این دو صفحه سعی داریم در هر شماره بسته پیشنهادی جذاب و متنوعی برای شما آماده کنیم. کجا بروید؟ چه فیلمی ببینید؟ چه کتابی بخوانید؟ بازی‌های جدید کدامند؟ با نرم افزارهای کاربردی شما را آشنا کنیم و کلی برنامه‌های جذاب که اوقات فراغت شما را می‌تواند به بهترین شکل بر کند، این صفحات را از دست ندهید.

گردشگری

فیلم

کتاب

بازی



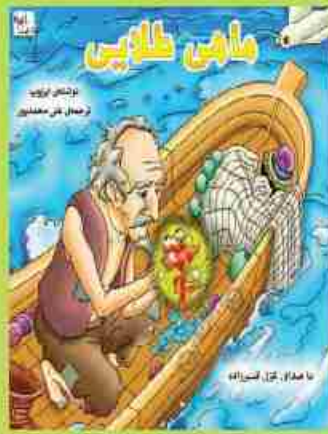


هادس ۲



بازی موبایلی ساخته مهدی بیغامی نسب یا گرافیکی بالا است.

یکی از چالش‌هایی که معمولاً سازندگان داخلی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، کم‌نگه داشتن حجم بازی‌ها است. چون سابقه نشان داده مخاطبین ایرانی خیلی علاقه‌ای به بازی‌های حجیم ایرانی نشان نمی‌دهند. بازی گرافیکی هادس ۲ یکی از استثنائات این قضیه است. بازی یکی از حجیم‌ترین آب‌های ساخته شده توسط سازندگان ایرانی به شمار می‌آید و همزمان توانسته به محبوبیت زیادی بین کاربران برسد. آن هم به خاطر گرافیک خیلی خوبی که نسبت به نمونه‌های مشابه داخلی دارد. بازی هرچند در زمینه گیم پلی بی‌نقص نیست اما در نیمه بر لیوانش، یک فضای بصری چشم‌نواز دارد که باعث می‌شود بازیکن با وجود مشکلات بخش شوپینگ و مخفی‌کاری همچنان به ادامه تجربه هادس ۲ کنجکاو باشد. در بررسی که سال گذشته از بازی نوشتیم، مهدی بیغامی نسب سازنده اثر تایید کرد که هادس ۳ هم ساخته خواهد شد.



کتاب صوتی ماهی طلایی در گذشته‌های دور در کنار ساحل بی‌مرد ماهیگیری با همسرش زندگی می‌کرد. یک روز بی‌مرد ماهیگیر مثل همیشه به دریا رفت و تورش را انداخت. وقتی تور را بالا کشید فقط یک ماهی گرفته بود. اما این ماهی با ماهی‌های دیگر خیلی فرق می‌کرد بدن ماهی مثل طلا به حرف زدن کرد.

«کتاب صوتی ماهی طلایی»

«طلایی»

نویسنده: ابروژ

مترجم: علی محمدپور

گوینده: غزل فنی‌زاده

نام انتشارات: آوارسا

سال انتشار: ۱۳۹۷



ضربه فنی

کارگردان: غلامرضا رمضان
تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان

نویسنده: میرا تیموریان

بازیگران: افشین هاشمی - نسیم ادبی - سبروس همتی - نازنین احمدی - مجید نوروزی علی ملکبان و...

داستان این فیلم درباره محمد شاگرد درس‌خوان و خوبی است که یکی از شاگردان مدرسه مزاحم او می‌شود. در این میان محمد با یکی از شاگردان مدرسه به نام امیر که ورزشکار است آشنا می‌شود و این آشنایی سرنوشت متفاوتی را برای هر سه نفر آنها به دنبال دارد.

نوجوانی که از عصر جدید

نوجوان موفق

معروف شد

مجید جان مشوق اصلیت برای حضور در برنامه عصر جدید چه کسی بود، اصلاً چطور شد که به این برنامه وارد شدی؟

مشوقم شخصی به نام یوسف معظمی بود که با او کار هم می‌کردم و برایشان می‌خواندم، چون صدای من را شنیده بودند من را به آموزشگاهی معرفی کردند و از آن به بعد با استاد اسدی شروع به کار کردم.

آقای یوسف معظمی چه زمانی فهمید صدایت برای خوانندگی خوب است؟

من از خردسالی یعنی ۸ سالگی هم می‌خواندم و به خوانندگی علاقه زیادی داشتم آقای معظمی که صدایم را شنید گفت صدایت خوب است و با آقای استاد اسدی آشنایم کرد.

چطور برنامه‌ریزی می‌کنی که در کنار تحصیلت به موسیقی هم بپردازی؟

طبق برنامه‌ریزی که انجام دادم روزها به درس و شبها به تمرین موسیقی می‌پردازم، البته حدود ۴ سال است که استاد اسدی را می‌شناسم که هم برنامه ریز و مدیر برنامه‌ام است که طبق برنامه او پیش می‌روم.

صدای کدام خوانندگان را دوست دارید؟

محسن یگانه و محسن چاوشی

مجید معظمی نوجوان ۱۴ ساله‌ای که از دل روستا و شغل گچکاری برآمد و روی صحنه قد کشید، بعد از شرکت در برنامه عصر جدید در بین مردم شناخته شد، شاهد جوان با او گفت و گویی داشت که در ادامه می‌خوانید





خواهر و برادر هم داری؟

ما کلاً سه تا پسر و دو تا خواهر هستیم.

قبلاً از اینکه وارد برنامه عصر جدید شوید اجرا داشتید؟

روزی که با استاد اسدی آشنا شدم او مرا به استیج و روی صحنه برد.

مجید شغل بدرت چیست؟

یدرم گچکار است.

برای کار در موسیقی تاکنون پیشنهادی داشته‌اید؟

بله از عصر جدید دو فیلم پیشنهاد شده که فعلاً برای یکی از آن در حال مذاکره هستیم. برای اجرای تلویزیونی هم چند بار برای برنامه عصر جدید به شبکه استانی کردستان رفتیم و اجرا کردم.

برای ایام نوروز برنامه ای دارید؟

بله. برای نوروز به عنوان مهمان ویژه در برنامه عصر جدید حضور دارم و قرار است آهنگ بهت قول می‌دم را اجرا کنم.

چه آروزی دارید؟

خواننده بر طرفدار شوم و آهنگای خوب و بر خاطره‌ای داشته باشم و بتوانم به طرفدارانم خدمت کنم.

خاطره



علی ایرانمنش نوجوانترین شهید استان کرمان است که در سن ۱۵ سالگی به دست کومله‌ها در غرب کشور به شهادت رسید.

طاهره ایلاقی مادر شهید ایرانمنش درباره فرزند شهیدش می‌گوید:

علی زمانی که می‌خواست به جبهه‌های غرب و برای مبارزه با دشمن برود هنوز ۱۵ سالش کامل نشده بود. زمانی که به غرب کشور رفت، زنگ زدم گفتم که بیاید و به ما سر بزند. گفت: اجازه نمی‌دهی برگردم جبهه، من به جان امام قسم خوردم اجازه می‌دهم برگردد. زمانی که برگشت، گفت: مادر، جوان‌های مردم در مبارزه با دشمن شهید و زخمی می‌شوند. بعد از این صحبت‌ها فکر کردم ناراحت شده‌ام، دوبار دست من را بوسید. گفتم به جان خودت ناراحت نشده‌ام. به او گفتم از حاج آقا روحانی استوال می‌کنیم که تو می‌توانی بروی یا نه؟ آقای روحانی گفت علی آقا ۱۵ ساله شده‌ای و حالا هر تصمیمی که خودت و خانواده ات بخواهید،

می‌توانید بگیرید و من گفتم قسم خورده‌ام. نمی‌گویم که علی برود یا نه. شاید حضورش در جبهه بهتر باشد.

علی برای بار دوم به کردستان رفت و بعد از چند روز که ازش بی‌خبر بودم، خانم‌های قامیل و دوست آمدند خانه ما و پرسیدم چی شده؟ چیزی نگفتند. به رئیس علی تلفن زده و پرسیدم علی کجاست؟ گفت دست کومله‌هاست. او را زیر برف‌ها پنهان کرده‌اند. جنازه شهدا چند روز دست دشمن بوده. ۱۴ روز بعد از شهادت، جنازه شهید را آوردند. من جنازه علی را ندیدم ولی دوستانش گفتند که بعد از شهادت شکنجه شده بود. علی ۱۷ دی ماه ۵۹ در بیرانشهر به شهادت رسیده بود.

زمانی که علی چهار ساله بود رفتیم کربلا، در نجف پشت سر امام (ره) دوبار توی صف نماز ایستاد و در همان سفر خدمت امام رسیده و دست امام را بوسیده بود. در زمان انقلاب، علی شب‌ها اعلامیه و عکس امام (ره) را بخش می‌کرد و روی دیوارها شعار می‌نوشت. زمانی که علی ۱۳ ساله بود، یک بیرزن در یک خانه فرسوده و خرابه زندگی می‌کرد و ناتوان بود. علی به این خاتم سر می‌زد و بعضی کارهایش را انجام می‌داد. برایش غذا و نوشیدنی می‌برد. زمانی که این بیرزن متوجه شد علی به شهادت رسیده، گفت ندیمم را از دست دادم. در حالی که ما نمی‌دانستیم علی به این خاتم سر می‌زند و برایش کاری انجام می‌دهد.



از رابطه شهید جهان آرا و شهید بهنام محمدی بفرمایید؟ شهید جهان آرا خیلی بهنام را دوست داشت و همیشه در مراحل مختلف عملیات او را با خود می برد. بهنام هم شیفته شهید جهان آرا بود. بهنام به من میگفت: جهان آرا مثل دایی من است و من خیلی ایشان را دوست دارم. یکی از دلایلی هم که باعث شد بهنام در شهر بماند و بجنگد همین علاقه بین او و شهید جهان آرا بود.

از آشنایی خود با خانواده شهید جهان آرا قبل از شروع جنگ در شهر خرمشهر بفرمایید بچه ما و خانواده شهید جهان آرا در خرمشهر همسایه بودیم. مادر شهیدان جهان آرا که امروز مراسم تشییع بیکر ایشان است به واقع خیلی خانم خوبی بودند. ایشان قبل از انقلاب خانه شان محل جلسات انقلابیون و پناهگاه جوانان انقلابی فراری از دست ساواک بود. و افراد سرشناسی چون شهید مطهری و دیگر افراد انقلابی آن زمان به خانه ایشان رفت و آمد داشتند. فرزندان ایشان هم قبل از انقلاب فعالیت های انقلابی زیادی داشتند. شهید علی جهان آرا زیر شکنجه های ساواک به شهادت رسید. شهید محمد جهان آرا نیز قبل از انقلاب یکسال در زندان های رژیم شاه بود. خانواده خیلی انقلابی ای داشتند.

شهید بهنام محمدی رزمنده ۱۳ ساله خرمشهری است که در کنار شهید سید محمد جهان آرا در مقاومت جانانه خرمشهر دوشادوش دیگر همشهریان مقاومت کرد.

آنچه در ادامه می خوانید گفتگو با مادر شهید بهنام محمدی است که در حاشیه مراسم تشییع بیکر مادر شهیدان جهان آرا انجام شد:

از رشادتهای فرزند شهیدتان در مقاومت جانانه خرمشهر بفرمایید! بهنام محمدی از همان ابتدای حمله عراق به خرمشهر دوشادوش سایر رزمندگان جنگید. شهید سید محمدعلی جهان آرا فرمانده بهنام بود. بهنام با اینکه سن و سال کمی داشت ولی دو تا تانک دشمن بعثی را منفجر کرد. بهنام در کنار سایر رزمندگان یکماه مقاومت کرد و بالاخره به آرزویش که شهادت بود رسید. تا بهنام من زنده بود عراقی ها خرمشهر را نتوانستند بگیرند. دشمن خیلی از بهنام می ترسید چون از تاحیه او بسیار ضربه دیده بود. هنگامی که ما مجبور شدیم شهر را ترک کنیم من به بهنام گفتم بیا برویم تو سن کمی داری و نمیتوانی بجنگی. بهنام گفت: اگر من و امثال من نجنگیم دشمن شهر و ناموس ما را می گیرد و به آن تعرض میکند.



گفتگو با مادر شهید بهنام محمدی همرزم شهید جهان آرا



گزارش : سارا صادقی



سنت‌های اسفند ماه در استان‌ها

«آداب و رسوم استان خراسان جنوبی»

از آداب و رسوم استان خراسان جنوبی رسم شاه مولایی نام دارد. در این رسم چند روز مانده به نوروز افراد ریش سفید با مراجعه به افراد ثروتمند شروع به جمع‌آوری لباس و پول برای افراد نیازمند کرده تا نیاز آنها را تا حدودی برطرف کنند.

در گذشته افراد بیرجند معتقد بودند که در شب عید حتما باید همگی پلو مصرف کنند.

یکی دیگر از آداب و رسوم استان خراسان جنوبی مراسم حنابندان است که افراد با آمدن عید نوروز با رنگ کردن انگشتان خود توسط حنا به استقبال عید نوروز و سال جدید می‌روند.

مراسم سمنو بزبان هم رسمی دیگر است که دارای زحمت زیاد است ولی برطرف‌دار می‌باشد.





نوروزخوانی «استان گیلان»

در این سنت هنرمندان به در خانه‌های مردم می‌روند و با خواندن آواز نوید آمدن بهار را می‌دهند.

براساس این آیین، یک هفته مانده به شب عید، چند نفر شب هنگام فانوس به دست می‌گرفتند و دو چوب برداشته به هم می‌کوبیدند و به حیاط خانه مردم می‌رفتند.

به در هر خانه‌ای که می‌رسیدند اجازه نوروزخوانی می‌گرفتند و این شعر را می‌خواندند:

در اول عرض من باشد سلامی تو ای آقای من
خوش فکر عالی بده اذنی بخوانیم چند کلامی



خانه تکانی ذهن مهارت کنترل خشم و هیجان

می‌تواند فتحی مربی بین‌المللی هوش و هیجانی و اجتماعی؛ امروزه نوجوانان در دوره نوجوانی خود به دلیل فشار برای داشتن استقلال، فشارهای تحصیلی، فشار دوستان، روابط جدید و مسئولیت‌های محول شده زندگی پرده‌غده‌ای دارند، همچنین آن‌ها با مشکلات و تصمیم‌گیری فراوانی در جاده بزرگسالی مواجه هستند که این امر می‌تواند در نوجوانان حس ناخوشایندی به وجود آورد و آن‌ها احساس کنند که همه چیز خارج از کنترل آن‌هاست و به همین دلیل توانایی مدیریت کنترل عواطف خود را در موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی از دست می‌دهند. بنابراین دچار مشکلاتی می‌شوند که علاوه بر صدمه به خود و دیگران باعث آسیب‌رسانی به جامعه می‌گردند که می‌توان از جمله آسیب‌های وارده به خود به افسردگی، خشم، اضطراب و ... اشاره کرد. همچنین می‌توانیم بگوییم که کودکان و نوجوانان در عصر حاضر نسبت به نسل گذشته از نظر هیجانی با مشکلات بیشتری مواجه هستند که این امر اهمیت کنترل عواطف در نوجوانان را دو چندان می‌کند.





کنترل عواطف و تاثیرات آن

با دیگران باید به آن توجه کرد، زیرا این مهارت به فرد احساس کارایی و با ارزش بودن، توانایی مقابله با رخدادهای منفی زندگی، بهتر عمل کردن در روابط اجتماعی و نیز حرکت در مسیر اهداف مشترک و مطلوب جامعه می‌دهد. لذا با توجه به اهمیت کنترل عواطف می‌توان از دو مشاوره تلفیقی تصمیم‌گیری دوباره و روایت درمانی جهت آموزش کنترل عواطف در نوجوانان استفاده کرد. تلفیق این دو شیوه و استفاده از فنون و روش‌های آنها منجر به این می‌شود که احساسات درونی شناسایی شود و همچنین کنترل و تغییر احساسات بهتر انجام شود.

اسلما منظور از مهارت کنترل عواطف این است که فرد یاد بگیرد چگونه عواطف خود را در موقعیت‌های مختلف تشخیص دهد. چگونه ابراز کند و چگونه آن را کنترل کند. این مهارت اثرات گوناگون در جنبه‌های مختلف زندگی فرد، تعاملات بین فردی، بهداشت روانی، سلامت فیزیکی و جسمی فرد دارد و به همین دلیل مهمترین عامل مرتبط با بیماری و اختلال است. از جمله عواطفی که می‌توان به آن اشاره کرد خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت است که اگر نتوانیم آنها را کنترل کنیم تبدیل به هیجانات و عواطف منفی می‌شود که نه تنها سازنده نیست بلکه آثار مخرب و زیان‌باری نیز دارد. افراط و تفریط در هیجان‌ها منجر به خشم اضطراب و افسردگی می‌شود که به صورت کنترل نشده، بهداشت روانی و عاطفی افراد را به طور جدی تهدید می‌کند. بنابراین کنترل عواطف مهارت بارزشی است که در تعاملات اجتماعی



گردآوری: سارا صادقی

شاید شنیدن غصه‌ها و مرثیه‌های فرزندان شهدای مدافع سلامت تلنگری بزند به شیشه عادت‌های ما.

«کوثر بستان منش» دختر ۱۲ ساله و یکی یک دانه شهیده «شیرین صفوی» هنوز از دست دادن مادر را باور نکرده است.

دایی‌اش گفت مراقب باشید، خیلی سوال بیجش نکنید، تازه کمی روبه‌راه شده است.

من هم سکان گفت و گو را دست دختر ۱۲ ساله شهید می‌دهم و می‌گویم از هر کجا که دوست داری شروع کن، از مادرت بگو.

کوثر از میان همه خاطرات راه باز می‌کند به روزهای آخر، به قصه آن روز غافلگیرکننده تلخ.

«دلم برای مادرم لک زده بود. از آخرین باری که آمده بود خانه، ده روز می‌گذشت. هر وقت تعداد بیماران کرونایی زیاد می‌شد از ترس انتقال ویروس به من و مادر بزرگم هر روز خانه نمی‌آمد.

در بیمارستان می‌ماند، مامان تلفنی زنگ می‌زد و حالم را می‌پرسید. دو سه روزی می‌شد که کمتر زنگ می‌زد و صدایش خیلی خسته بود. گفت بخش دوباره پر شده از بیماران کرونایی و کارم زیاد است، سرفه می‌کرد.

گفتم دلم تنگ شده، کی می‌آیی خانه؟ گفت همین یکی دو روزه میام بیشتر دخترم.

از آخرین تماس تلفنی سه روز گذشت و مادرم خانه نیامد. روز ۲۲ خرداد بود و حسابی دلتنگ بودم.

مرثیه فرزندان شهدای مدافع سلامت که شنیده نمی‌شود



با کلی مقدمه چینی گفت مادرت در راه خدمت
به بیماران کرونایی شهید شده و روزهای آخر
نمی‌خواست تو با حال بد او را ببینی.
من بی مادر شده بودم.

یاد جشن دو نفره یک ماه قبلمان افتادم. اوایل
اردیبهشت، مادرم یک شب با جعبه شیرینی آمد
خانه.

گفت بالاخره رعایت کردن مردم نتیجه داد.
امروز بخش ما خالی از بیماران کرونایی شد.

چقدر خوشحال بودیم. خوشحال بودم که از
این به بعد با خیال راحت‌تر هر روز مادرم را
می‌بوسم. نمی‌دانستم موج بعدی کرونا مرا
بی‌مادر می‌کند.»

قصه بر غصه دختر شهید صفوی ادامه دارد.

کرونا فقط او را بی‌مادر نکرد.

گردآوری: سارا صادقی
منبع: سدید



دایی زنگ زد و گفت کوثر جان حاضر شو با هم بریم
بیمارستان.

سوار ماشین که شدم گفتم دایی ایمان گفته منو
بیمارستان ببری؟ حتما بهش مرخصی ندادن! دایی
گفت من می‌دانم کوثر جان.

رادیو را زیاد کرد و تا بیمارستان با من حرف نزد.

بیش خودم گفتم حتما مامان می‌خواهد من را
سوربرایز کند. از این کارها زیاد می‌کرد.

اما حالا با این اوضاع و بیماری کرونا از مادرم بعید
است که بخواهد من را در بیمارستان غافلگیر کند!

خوشحال بودم که بالاخره بعد این همه دوری مادرم
را می‌بینم.

رسیدیم بیمارستان اما به بخشی که مادرم در آن کار
می‌کرد نرفتیم.

دایی دست من را گرفت و به اتاق استراحت پرستاران
در بخشی دیگر برد. بعد هم خودش بیرون رفت.

خانمی وارد اتاق شد که او را قبلا ندیده بودم. گفت من
از دوستان مادرت هستم و سال‌هاست او را می‌شناسم.
گفتم مامانم را هم صدا کنید. دلم خیلی برایش تنگ
شده...

آن خانم که روانشناس بیمارستان بود شروع کرد به
حرف زدن.

«نیم ساعت بعد از اتاق که بیرون آمدم فهمیدم چرا
دایی روزی سکوت گرفته بود، چرا خودش طاقت
نداشت در اتاق بماند.

من بی‌مادر شده بودم، بیمارستان دور سرم چرخید
و از حال رفتم. وقتی به هوش آمدم، حرف‌های آن
خانم یادم آمد.



گزارش: سارا صادقی



دانستنی های علمی کوتاه و جالب



پروانه ها با پای خود مزه را احساس می کنند

حس گرهای ریزموماند پاهای پروانه، تغییرات شیمیایی مضر و همچنین غذا را برای کرم پروانه یا شهد را برای بالغها تشخیص می دهند.

پروانه ماده، ایمنی یک مکان را برای تخمگذاری مشخص می نماید و این کار را با فشار دادن پاهایش روی شاخ و برگ برای آزاد کردن مواد شیمیایی دفاعی انجام می دهد.

پروانه علاوه بر استفاده از پاها برای مزه کردن، دو راه هم برای لمس کردن و بویایی دارد که این دو راه استفاده از پوزه و شاخک است.





میزان انرژی که خورشید در یک ثانیه تولید میکند؛ برای تولید برق مورد نیاز تمام کشورهای جهان در مدت یک میلیون سال کافی است.



میزان انرژی که خورشید در یک ثانیه تولید می کند؛ برای تولید برق مورد نیاز تمام کشورهای جهان در مدت یک میلیون سال کافی است.

خورشید یک راکتور هسته ای طبیعی است که ریزسته های انرژی به نام فوتون آزاد می کند که ۱۵۰ میلیون کیلومتر از خورشید به زمین را در طی ۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه طی می کنند. استفاده از فناوری خورشیدی هر روزه در حال افزایش و به دنبال آن هزینه بهره گیری از آن به سرعت در حال کاهش می باشد.



گریه در گوشش ۳۲ عضله دارد.



گریه ها می توانند حتی آهسته ترین صداها را بشنوند چون بیش از ۲۰ ماهیچه دارند که قسمت خارجی گوش آنها را کنترل می کند.

همچنین گریه ها وقتی حرکت نمی کنند منبع صدا را دقیق تر تشخیص می دهند، به همین دلیل اغلب می ایستند و گوش می دهند.



تصمیم گرفتیم در این دو صفحه
مطالبی را چاپ کنیم که خود شما
عزیزان نوجوان برای ما ارسال
می کنید شعر، داستان یا هر
مطلب جذابی که شما برای ما
ارسال نموده اید.

صفحه شما

دلنوشته های شما

محمد کاظم بدرالدین

بوسه بر عطر پرواز

نگیرد. اینجا فراوانند داغ‌های کمرشکن
و زخم‌هایی که شما مرهمشان هستی؛
شما را می‌گویم که نگاهتان رفت و
در جهت قبله پروانه‌ها خانه کرد.
وقتی دست نوشته‌های شما خوانده می‌شود،
در می‌یابیم که شما نام دیگر خورشیدید
و قرابتی نزدیک با خود عشق دارید.
وقتی وصیت‌نامه‌های شما را می‌خوانند،
تازه می‌فهمیم چرا با عزم آخرین نفر
از شما، آسمان چمدان خود را بست و
کوچید تا بر شرم خویش نیفزوده باشد.
وقتی عکس شما را در ذهن خویش ورق
می‌زنیم، تازه می‌فهمیم که عکس‌های
تک تک شما اشاره می‌کرده است به
بهترین فصل حیات و ما غافل بودیم.
حال ما مانده‌ایم و دستاتی که به
دیوارهای قفس می‌خورد. ما مانده‌ایم
و نام جاوید شما که از لمس رهایی،
خنده می‌زند. ما مانده‌ایم و موسم یاد
شما که روزهای ما را ترمیم می‌کند.

بغض‌های حقیر ما، روبه‌روی تصاویر
گلگون شما سرریز می‌شود و راه را برای
کلام می‌بندد؛ با شما شقایق‌هایم. از
شما چه باید گفت و چه باید نوشت؟
واژه‌های خاکسترگونه ما، فقط بلدند
روبه‌روی شما ضجه بزنند. اما کاش
می‌دانستند که یاد شما حرکت است؛
حرکتی برای بهبودی وضع «بودن». چه
باید گفت که شما حنجره‌های خود را
عبور دادید تا آن سوی مرزهای تکبیر،
آن سوی مرزهای ندیدن؛ جایی که واژه‌های
یافت نمی‌شود تا شما را با آن ستود.
اصلاً شما که برای تحسین برانگیزی
قلم‌های ما بوسه بر عطر پرواز نزدیک!
هر روز و هر شب، خاکریزها، یا
اشک‌ها و دعاهایتان گره می‌خورد.
شما، دهشتناکی شب را با تکبیرهای
فاتحانه‌تان درهم می‌شکستید و روزهای
سنگر را سپیدتر از بال‌های کبوتران می‌کردید.
ما مانده‌ایم و یاد شما بنا به حال
ما، اگر یاد شما را زندگی ما قاب

برای عکاسی هم از دوربین بدرم استفاده می‌کنم چون زیاد از آن استفاده نمی‌کند.

این نوجوان در پاسخ به این سوال که بیشتر برای گرفتن عکس به کدام حوزه علاقه دارید گفت: به همه حوزه‌ها علاقه‌مند هستم، دوست دارم چیزهایی که می‌بینم را ثبت کنم، نگاه من به عکاسی مثل فیلم مستند است.



برگزیده مسابقه عکاسی

در گفتگو با شاهد نوجوان

نگاهم به عکاسی مثل فیلم مستند است

برگزیده عکس ملی آب در پاسخ به این سوال که سائتی هست به نام «نور فوتو» شما با آن هم کار می‌کنید توضیح داد؟

نه با آن کار نمی‌کنم. البته عکسایی که درباره راهپیمایی گرفتم را در آن گذاشتم، در کل علاقه ای ندارم که با جای خاصی کار کنم.

وی به علاقه‌مندان عکاسی پیشنهاد داد: برای رشد و پیشرفتشان باید تنظیمات دوربین را به طور کامل یاد بگیرند. به خاطر دارم اوایل کارم چون تنظیمات را یاد نگرفته بودم عکس‌ها خیلی تیره یا روشن می‌شد برای همین به کسانی که کار عکاسی را دوست دارند توصیه می‌کنم به این موضوع توجه داشته باشند.

این نوجوان در ادامه خاطر نشان کرد: هر کاری علاوه بر تحصیل نیاز به تجربه دارد من عکاسی را به طور تجربی نه به طور آکادمیک آموختم.

وی در خاتمه گفت: خوشبختانه چون بدرم عکاس است اگر در اوایل کار با مشکلی مواجه می‌شدم برای کمک پیش او می‌رفتم و از ایشان یاد می‌گرفتم، یعنی به طور بخش، بخش از بدر می‌آموختم.

گفتگو: مریم حضرتی



مریم رضایی یکی از برگزیدگان مسابقه عکس ملی آب معتقد است هر کاری نیاز به تجربه دارد.

مریم رضایی از برگزیدگان مسابقه عکس ملی آب در مورد جایزه ای که در زمینه عکاسی گرفته است به خبرنگار شاهد نوجوان گفت: دعوت شدم به جشنواره بعد از برگزیدگان اول تا سوم در بخش آماتور جایزه مسابقه عکس را گرفتم.

وی در ادامه از فعالیت‌های خود گفت: از کودکی علاقه شدیدی به عکاسی داشتم وگاهی عکس می‌گرفتم ولی از ۱۰ سالگی به طور جدی این کار را شروع کردم تا الان که ۱۲ سال سن دارم. این نوجوان هنرمند در ادامه عنوان کرد: چون بدرم برای عکاسی زیاد سفر می‌رفت من هم با او همراه می‌شدم ودر این سفرها بود که عکاسی را به طور جدی از او آموختم اما چون درگیر مدرسه بودم دیگر نتوانستم سفر بروم. رضایی در ادامه گفت: کار عکاسی به درسم لطمه‌ای وارد نمی‌کند، برای آن برنامه‌ریزی دارم.



بازی مهارتی چیست؟

گزارش: سارا صادقی



آموزش رانندگی

در اولین شهر مشاغل آموزشی مهارتی ایران یعنی همان کاربازیا، سنین کودکان و نوجوانان برای استفاده از این بازی مشخص است. در آموزش رانندگی که سنین بالای ۷ سال می توانند از آن استفاده کنند بیشتر شبیه سازی رانندگی است که در آن هم رانندگی و هم معاینه چشم و در آخر گواهی نامه رانندگی برای کودکان و نوجوان داده می شود.

یکی از کارهای جالب برج میلاد افتتاح شهر مشاغل می باشد که در چند سال اخیر شکل گرفته است. این شهر مشاغل برای آشنایی کودکان و نوجوانان با شغل هایی در جامعه است که بزرگترها با آن در طول روز برخورد دارند همچنین این شهر مشاغل به استعداد یابی نوجوانان کمک می کند و توانایی آنها را بروز می دهد از جمله این استعدادها می توان به ایلیا دهقان اشاره کرد که در حال حاضر به عنوان هنرمند استندآپ کمترین در حال فعالیت است. در اینجا چند مشاغل را برای آشنایی نوجوانان با این شهر مشاغل معرفی می کنیم.



استودیو خبر

این بخش از شهر مشاغل هم در رده سنی بالای ۴ سال میزبان کودکان و نوجوانان می‌باشد. در این بخش کودکان و نوجوانان چند موضوع ساده خبری را همراه با آموزشهای لازم می‌خوانند و گزارش آنها فیلمبرداری می‌شود سپس در کانال کار این مجموعه گذاشته و دیده می‌شود.



بانکداری

بخش بانکداری که سنین بالای ۷ سال می‌توانند از آن استفاده کنند زیر نظر کانون جوانه‌ها می‌باشد. بانک ملی در این بخش راهکارهایی که در بانک برای افتتاح حساب و امور بانکی انجام می‌شود را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد و کودکان و نوجوانان مسائلی همچون نحوه استفاده از دستگاه پول‌شمار یا افتتاح حساب و... را یاد می‌گیرند.



فضانوردی

بخش فضانوردی در بین سنین بالای ۴ سال به بالا را در برمی‌گیرد. در این بخش که شبیه ساز دنیای فضانوردی است، کودکان و نوجوانان با پوشیدن لباس فضانوردی و بودن در اطاق فضانوردی با این بخش آشنا شده و شیرینی‌های دنیای خیالی خود را از نزدیک شاهد می‌شوند.

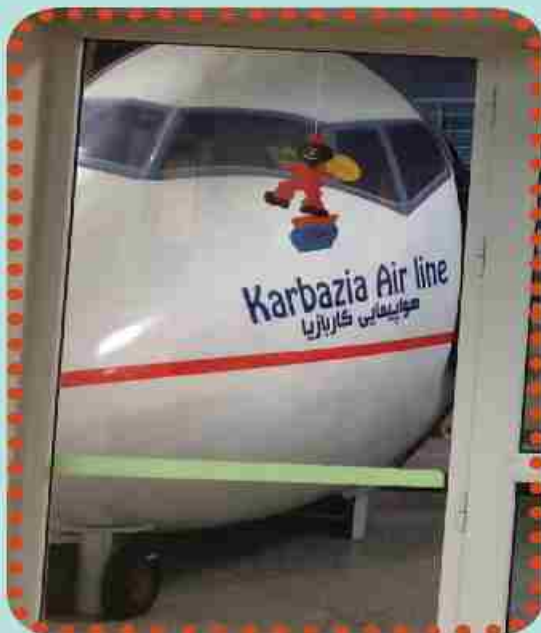


فرودگاه

در اولین شهر مشاغل آموزشی مهارتی ایران یعنی همان کاربازیا سنین کودکان و نوجوانان برای استفاده از این بازی مشخص است.

در بخش فرودگاه که سنین بالای ۷ سال می‌توانند از آن استفاده کنند بیشتر شبیه ساز هواپیما وجود دارد که پرواز و فرود هواپیما را به نوجوانان آموزش می‌دهد.

البته این بخش از بازی‌های مهارتی بیشترین بازخورد را در بین دیگر مشاغل کاربردی دارد.



غذاهای مناسب برای

تقویت سیستم ایمنی بدن

تغذیه سالم

گزارش ستارا صادقی



سیستم ایمنی به عنوان خط اول مقابله با تهاجم عوامل بیماری زا از جمله ویروس ها و باکتری ها نقش مهمی در محافظت از بدن دارد. شواهد نشان می دهند که مواد غذایی حاوی برخی ویتامین ها و مواد معدنی می توانند به تقویت سیستم ایمنی کمک کنند.

مواد غذایی حاوی ویتامین هایی مانند A، B، C، D، E و مواد معدنی از جمله آهن، سلنیوم و روی می تواند به تقویت سیستم ایمنی و پیشگیری از ابتلا به بیماری کمک کند.



غذاهای دریایی سرشار از ویتامین D هستند و پس از آن می توان قارچ و زرده تخم مرغ را نام برد.



از جمله مواد غذایی حاوی ویتامین A می توان به جگر سیاه، شیر، تخم مرغ و ماهی، همچنین سبزیجات و میوه های زرد و نارنجی رنگ (مانند کدو حلوائی و هویج) و سایر سبزیجات برگ سبز و ذرت اشاره کرد.



غلات سبوس دار (مانند گندم، برنج، جو)، سیب زمینی، ماکارونی و سبزیجات برگ سبز (مانند اسفناج) و برگ دار (مانند برگ جعفری)، کلم بروکلی، موز و مرکبات و محصولات لبنی (شیر و پنیر)، جگر، گوشت، ماهی، تخم مرغ و حبوبات و آجیل از جمله مواد غذایی سرشار از ویتامین های گروه B هستند.



میوه‌ها و سبزیجات مانند مرکبات، گوجه فرنگی و آب گوجه فرنگی و سیب زمینی، بهترین منابع ویتامین C هستند. سایر منابع غذایی مفید شامل فلفل قرمز و سبز، کیوی، کلم بروکلی، توت فرنگی و طالبی است.



روغن‌های گیاهی مانند روغن کانولا، میوه‌ها و سبزیجات، تخمه‌ها (مانند کدو و آفتابگردان) و آجیل از منابع غذایی سرشار از ویتامین E هستند.



مواد غذایی حاوی مواد معدنی نیز می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی کمک کنند. غنی‌ترین مواد غذایی حاوی آهن شامل گوشت و غذاهای دریایی و سپس، آجیل، لوبیا، سبزیجات و غلات غنی شده با آهن است.



به ترتیب، جگر و غذاهای دریایی، غلات، گوشت ماهیچه، شیر و فرآورده‌های لبنی، میوه‌ها و سبزیجات از جمله مواد غذایی حاوی بیشترین مقدار سلنیوم هستند. همچنین، شیر و بنیر مهم‌ترین منابع غذایی سرشار از روی گزارش شده‌اند که منجر به تقویت سیستم ایمنی می‌شوند.

داستان



حکایت عابد و جوان، روزی حضرت عیسی «ع» از صحرائی می‌گذشت. در راه به پرستش گاهی رسید که عابدی در آنجا زندگی میکرد. حضرت با او مشغول حرف زدن شد.

در این هنگام جوانی که به کارهای زشت و ناروا سرشناس بود، از آنجا گذشت. وقتی چشمش به حضرت عیسی «ع» و مرد زاهد افتاد، پایش سست شد و از رفتن باز ماند. همان جا ایستاد و گفت: خدایا من از کردار زشت خویش شرمنده‌ام. حالا اگر پیامبرت مرا ببیند و سرزنش کند، چه کنم؟! خدایا عذرم را بپذیر و آبرویم را مبر.

مرد زاهد تا آن جوان را دید سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! مرا در قیامت با این جوان گناه کار محشور نکن. در این هنگام خداوند به پیامبرش وحی فرمود که به این زاهد بگو:

ما دعایت را مستجاب کردیم و تو را با این جوان محشور نمی‌کنیم، چرا که او به علت توبه و پشیمانی اهل بهشت هست و تو به علت غرور و خودبینی، اهل جهنم!

منبع: محمد غزالی، کیمیای سعادت، ج

گزارش سارا صادقی

گردآورنده: نجمه علی‌نقیان

آبشار لوه



آبشارهای زیبای متعددی در ایران وجود دارد. یکی از مواردی که شاید به اندازه زیبایی‌اش مشهور نشده، آبشار لوه است. این آبشار در آستانه پارک ملی گلستان قرار دارد. صدای آرامش‌بخش آب، صخره‌های سنگی و درختان سبز حوالی آبشار، مکانی درجه یک برای تمدد اعصاب و کسب آرامش است. آبشار لوه، ۷۵ متر ارتفاع دارد و مجاورت آن با جنگلی انبوه و سرسبز، تصویری ایده آل از یک طبیعت زیبا را می‌سازد.



جنگل‌های دالختانی

حتی اگر عاشق آب و هوای شمال و رطوبت آن هم باشید در تابستان‌هایی که دمای هوا به بالای ۳۵ سانتی‌گراد می‌رسد، عرق چسبناکی که روی بدن‌تان می‌نشیند از این عشق و علاقه تاحدی می‌کاهد. اما مازندران زیبا، همیشه برنامه‌هایی برای غافل‌گیری دارد. یکی از این موارد، جنگل‌های دالختانی است. با ورود به این جنگل‌ها در کوهستان‌های حوالی رامسر، دمای هوا حتی در تابستان به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا می‌کند. در جنگل‌های دالختانی، اکسیژن خالص وارد ریه‌های‌تان می‌شود، هوا سبک است و در پوششی از مه می‌توانید از منظره‌های سبز و زیبا لذت ببرید. در اطراف جنگل و در مسیر منتهی به آن با گاوهای بی‌رو به رو خواهید شد که در جاده با خیال راحت پیاده‌روی می‌کنند و به هیچ وجه به نظر نمی‌آید که سرگردان باشند.

دره هفت غار



دره هفت غار از شاهکارهای طبیعت است. این دره که در شمال غربی نیشابور قرار دارد، شامل هفت دره است که با پیمودن آنها به یک چشمه طبیعی خواهید رسید. آب و هوای دره هفت غار بسیار دلنشین و مطلوب است. در بهار، باران زیادی در این منطقه می‌بارد و به همین خاطر با مناظری سرسبز و چشمه‌ای پر آب رو به رو خواهید بود. دره‌های هفت‌غار، سرخ و زیبا هستند و البته خبری از غار در این منطقه نیست. بلکه با دره‌هایی رو به رو هستید که به هفت غار شهرت دارند. خاک این منطقه از جنس خاک رُس و آب چشمه طبیعی آن هم خنک و گواراست. نیشابور با وجود آثار تاریخی و طبیعی‌اش از دیدنی‌ترین نقاط ایران است که نباید آن را در ایران‌گردی فراموش کنید.



تنگه رَغز

آبشارهای دیدنی در ایران کم نیستند. اما اگر تا به حال نام تنگه رَغز واقع در استان فارس به گوش‌تان نخورده است باید بگوییم که فرصت آشنایی با یکی از جالب‌ترین‌ها را از دست داده‌اید. تنگه رَغز مثل یک بهشت پنهان در کوهستان‌های جنوب استان فارس است. در منطقه فسارود این استان، تنگه اسرارآمیز رَغز با آبشارهایی مرتفع در انتظار کسانی است که از سفرهای پرماجرا خوشش‌شان می‌آید. با پای گذاشتن به تنگه رَغز، سفری ۲۵ کیلومتری برای‌تان شروع می‌شود. ابتدای مسیر، حرکت کردن و عبور از تنگه ساده است و با حوضچه‌های آبی شفاف رو به رو می‌شوید که از ریختن آبشارها به درون تنگه درست شده‌اند. اما با پیش رفتن به سمت تنگه و عمیق‌تر شدن آن، آبشارها بلند و بلندتر می‌شوند. بلندترین آبشار حدود ۶۵ متر ارتفاع دارد. در این قسمت از تنگه به مهارت و تجربه بیشتری در طبیعت‌گردی نیاز دارید و دیگر به سادگی نمی‌توان به سمت عمق آن پیش رفت.

منبع: سایت جهان‌با

قهرمان کشتی فرنگی آسیا و برنز جهان، چوپانی می کند

ایسنا نوشت، او ادامه داد: در آخرین رویداد ورزشی بیش از شیوع ویروس کرونا توانستم در رقابت‌های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی امید به عنوان نخست دست یابم. اما با بدشانسی تمام و باخت در بیکارهای انتخابی درون اردویی نتوانستم راهی مسابقات جهانی زیر ۲۳ سال شوم. هرچند که می‌دانم با این شرایط اگر امروز مدال امیدهای جهان را نیز داشتم نمی‌توانست ذره‌ای به رفع مشکلات و گرفتاری‌هایم کمک کند.

محرابی با اشاره به وقوع سیل فروردین ۹۸ در بلدختر خاطر نشان کرد: بدرم از جاتبازان

محمد محرابی، دارنده نشان طلا و برنز کشتی فرنگی نوجوانان در رقابت‌های آسیا و جهان می‌گوید، پدرش جانباز بوده و فوت کرده و مجبور است که چوپانی کند.

محمد محرابی گفت: متأسفانه بس از رقابت‌های کشتی قهرمانی نوجوانان جهان و بازگشت به زادگاهم بلدختر برخی بی‌مهری‌ها از سوی مسئولان ورزشی شهر و استانم موجب شد تا به کوچ اجباری تن دهم و برای دست‌یابی به اهداف ورزشی‌ام راهی استان البرز شوم.

جنگ تحمیلی بود و سال‌ها قبل فوت شد و تنها دارایی ما یک خانه در بلدختر نیز در سیل به صورت صددرصد تخریب و توفیق اجباری شامل حالم شد و بار دیگر راهی شهرم شدم تا بتوانم در عملیات ساخت و ساز کمک حال خانواده باشم و حداقل بول کمتری را به کارگر بدهیم.



قهرمان جام یادگار امام افزود: یک سلی می‌شود که از سر اجبار و تامین بخشی از نیازهای زندگی در کنار تحصیل در دانشگاه مجبورم از گوسفندان مواظبت کنم و به چوبانی مشغولم.

او گفت: گوسفندان یکی از بستگانمان است و تنها در ازای چوبانی مبلغی را ماهیانه دریافت می‌کنم.

محرابی که بغض اجازه نمی‌داد راحت صحبت کند، اضافه کرد: بلدختر شهر کوچکی است و کار نیز به سختی پیدا می‌شود و اگر شغلی باشد اولویت با من ورزشکار نیست. هر روزی که به چوبانی مشغول هستم احساس می‌کنم از اهداف ورزشی‌ام دور و دورتر می‌شوم، اما چاره دیگری ندارم.

او با بیان اینکه شاید نمی‌شود به تنهایی و دست خالی به جنگ روزگار و سرنوشت رفت، گفت: امیدوارم بتوانم روزی به خوش‌رنگ‌ترین مدال‌های جهانی و المپیک دست یابم و این روزهای سخت و تلخ را به فراموشی بسپارم.

منبع: ایسنا
گردآوری: سارا صادقی

«دوستی خاله خرسه»

نسبت به او انس و الفت بیشتری به دل می‌گرفت. شکارچی هر کجا می‌رفت خرس را هم با خود می‌برد. مردم و بخصوص بچه‌ها از دیدن خرس فرار می‌کردند.

ولی شکارچی به آنها هشدار می‌داد که این خرس اهلی است و آدمها را دوست دارد. گاهی اوقات خرس روی دو پایش می‌ایستاد و شکلک درمی‌آورد و مردم به خنده می‌افتادند.

شکارچی دلش خوش بود که مونس و همدمی پیدا کرده است که مثل بعضی از آدمها دور و نیست. خرس مزبور فقط کارش خوردن و خوابیدن نبود. بلکه در بعضی از کارها به مرد شکارچی کمک هم می‌کرد. از جمله برای او با سطل آب می‌آورد. شکارچی را کول می‌کرد و علاوه بر اینها هر کس به شکارچی چپ نگاه می‌کرد، خرس با یک نعره دل او را می‌لرزاند.

تا اینکه یکروز مرد شکارچی همراه خرس، به دیدن یکی از دوستان ریش سفید خود که بیرمرد سالخورده ای بود رفت. بیرمرد از دیدن خرس

بچه‌های عزیز، خرس هم مانند همه حیوانات درنده، خطرناک است و اگر دستش به انسان برسد، رحم نمی‌کند. در زمانهای نه چندان دور، بعضی از شکارچیان، خرس را به دام می‌انداختند و به او تعلیم می‌دادند تا اهلی شود. سپس او را به کوچه و خیابان می‌آوردند و از نمایش گذاشتن او بول جمع می‌کردند.

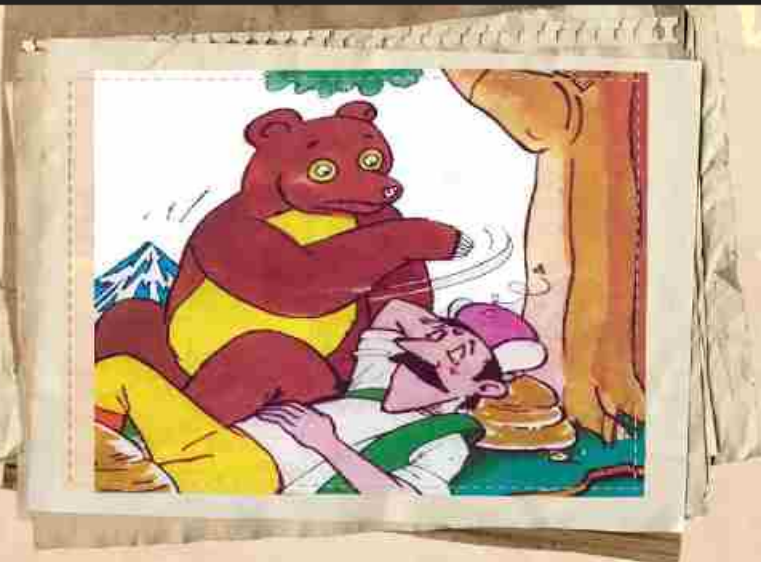
به هر حال، حکایتی را که برایتان تعریف می‌کنیم، مثل همه قصه‌های دیگر می‌تواند عبرت‌آموز باشد و شما را با حقایق بیشتر آشنا کند.

می‌گویند در زمانهای بسیار قدیم مردی برای شکار به جنگل می‌رود. اتفاقاً بچه خرسی را می‌بیند که بایش تیر خورده و در گوشه‌ای افتاده است.

شکارچی از دیدن بچه خرس زخمی به رحم می‌آید و او را بغل می‌کند و به خانه اش می‌آورد. ابتدا بای زخمی خرس را درمان می‌کند و سپس اطاقک کوچکی را برای زندگی بچه خرس درست می‌کند.

بچه خرس روز بروز بزرگتر می‌شد و شکارچی





از خوردن غذا، احساس خستگی شدیدی به او دست داد. تیر و کمانش را کنار درختی گذاشت و زیر سایه درخت به خواب رفت. خرس هم در کنار او نشسته بود و اطراف را نگاه می کرد. اما هنوز چند لحظه ای نگذشته بود، که خرس دید تعدادی مگس به سر و صورت صاحبش می نشینند و باعث ناراحتی مرد شکارچی می شوند.

خرس از روی خوش خدمتی چند بار با دست مگسها را براند، اما وقتی دید مگسها خیلی سمج هستند تصمیم گرفت تا حساب آنها را برسد.

به همین جهت تخته سنگ بزرگی را که در کنارش بود به روی دست بلند کرد.

و هنگامی که مگسها روی صورت مرد شکارچی نشستند، خرس تخته سنگ را محکم به صورت صاحب خود کوفت تا به اصطلاح مگسها را بکشد، غافل از اینکه صاحب خود را هم کشته است.

گردآوری: سارا صادقی
منبع: ایپانفا

برآشفت ولی شکارچی به او اطمینان داد که خرس اهلی شده و کاری با او ندارد.

بیرمرد به شکارچی نصیحت کرد و گفت: ای جوان، دوستی با حیوانی که عقل و منطق ندارد کار خطرناکی است. خرس حیوان نادانی است. از قدیم هم گفته اند دشمن دانا، بهتر از دوست نادان است. تو از میان این همه انسان رفته ای، و یک حیوان زبان نفهم را به عنوان دوستی انتخاب کرده ای؟

مرد شکارچی که خرس خود را خیلی دوست می داشت، از نصیحت بیرمرد سالخورده سخت دلگیر شد و از او خداحافظی کرد و رفت.

چند روز بعد مرد شکارچی تصمیم گرفت که برای شکار به کوهستان برود. طبق معمول خرس هم بدنبال او روان شد.

مرد شکارچی از جلو میرفت و خرس هم رقص کنان و نفس زنان همراه او از تپه ها بالا می رفت.

نزدیکهای ظهر، که خورشید بالای سر آنها قرار گرفته بود، مرد شکارچی دستمال غذايش را باز کرد و مقداری غذا خورد و مقداری هم به خرس داد.

شعر

شعری از سهیل محمودی

دل‌م شکسته تر از شبشه های شهر شماست
شکسته باد کسی کاین چنینمان می خواست

شما چقدر صبور و چقدر خشماگین
حضورتان چون لاقی صخره بادریاست

به استواری معیار تازه بخشیدید
شمانه مثل دماوند اوبه مثل شماست

بیا که از همه ی دشت‌ها سوال کنیم
کدام قله چنین سرافراز و پابرجاست

به یک کرامت آبی نگاه دوخته اید
کدام پنجره این گونه باز سوی خداست؟

میان معرکه لبخند می‌زنید به عشق
حماسه چون به غزل ختم می‌شود زیاست

شما که ابد؟ صفی از گرسنگی و غرور
که استقامت و خشم از نگاهتان پیداست

اگر چه باغچه‌ها را کسی لگد کرده است
ولی بهار فقط در تصرف گل‌هاست

تخلص غزل‌م چیست غیر نام شما؟
ز یمن نام شما خود زبان من گویاست

بوی سیب

این بوی ناب وصال است باعطر گل‌های سیب
است

این عطر آشنایی بوی کدامین غریب
است؟

امشب از این کوی بن بیت با پای سر میتوان
رفت

روشن چراغ دل و دست بانور ((امن
بجیب)) است

در سوگ گل‌های پرپرگفتی و بسیار گفتیم
امروز می‌بینیم اما مضمون گل‌ها غریب
است

در مسجد سینه چندی است تا مسجدم
نوحه خوانی است

بر منبر گونه شب‌ها اینگونه اشکم خطیب
است،

((از سنگ‌های بیابان خاموش بودن عجیب
است

از ما که هم کیش موجیم اینگونه ماندن
عجیب است))

خشکید جوی ترانه بی‌گربه‌های شبانه
این نغمه‌ی عاشقانه سوز دلی بی‌شکيب
است

با اشتیاق زیارت یاران هم دل گذشتند
انگار تنها دل من از عاشقی بی‌نصیب است

((علی رضا قزوه))

شعری از شهریار برای شهدا

به خاک من گذری کن چو گل گریبان
چاک
که من چو لاله به داغ تو خفته ام در خاک

چو لاله در چمن آمد به پرچمی خونین
شهید عشق چرا خود کفن نسازد چاک

سری به خاک فرو برده ام به داغ جگر
بدان امید که آلاله بردم از خاک

چو خط به خون شبایت نوشت چین چین
چو پیریت به سر آرند حاکمی سفاک

بگیر جنگی و راهم بزن به ماهوری
که ساز من همه راه عراق میزد و راک

به ساقیان طرب گو که خواجه فرماید
اگر شراب خوری جرعه ای فشان بر خاک

بیوس دفتر شعری که دلنشین یابی
که آن دل از پی بوسیدن تو بود هلاک

تو شهریار به راحت برو به خواب ابد
که پاکباخته از رهزنان ندارد باک

بابا جون

اینجا هوا بارونیه صدای رعد و برق میاد
اونجا نداره آسمون خوشابحالت باباجون

اینجا همه غمگینیم و ستارهها خاموش شدن
اونجا نداره کهکشون خوشابحالت باباجون

اینجا صلیب پر شده و آدما آویزون میشن
اونجا نداره بمب و خون خوشابحالت باباجون

شما چطور رفتین و ما چرا باید بمونیم
از رفتن کیونرا ترانهها بخونیم
شما خوشین تو آسمون خوشابحالت باباجون

اینجا دلم گریه میخواد بابا تو رو خدا بمون
خوشابحالت باباجون

اینجا دیگه نا ندارم حرفای مردم بشنوم
از قصه‌ی ریا واسه نونای گندم بشنوم
ونجانداره آب و نون خوشابحالت باباجون

یادم میاد بچه بودم موهامو شونه میزدی
وقتی تو بازی بودم برام تو خونه میزدی
خونه‌ام شده غذا و خون خوشابحالت باباجون

از عشق و عاشقا بگواز اشک مادرا بگو
از دل بگو از غم بگو قصه‌ی کربلا بگو
بازم برام غزل بخون خوشابحالت باباجون

من روی پاهات خوابیدم همیشه گرم همیشه نرم
میگن پاهات تو جبهه موند خوشابحالت باباجون

نقیسه سادات موسوی

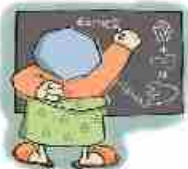
«بسم، پیامبر مهربانی ها»

یکی از اعیاد بزرگ مسلمانان عید مبعث است، روزی که برای اولین بار نخستین آیات الهی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در غار حرا نازل شد.

خود آورده بود و از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌خواست تا آن را بخواند. پیامبر فرمود: «نمی‌توانم بخوانم.» فرشته دوبار دیگر از پیامبر (ص) خواست تا نوشته را بخواند و سرانجام لب‌های آسمانی پیامبر مشغول خواندن شد. آن کلمه‌ها، آیه‌های اولین سوره قرآن بودند: «بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید» وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) اولین آیه‌های قرآن را خواند، جبرئیل گفت: «ای محمد! تو فرستاده خدایی و من جبرئیل هستم» پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شده بود تا مردم را از گمراهی و بدبختی نجات دهد و به سوی سرزمین ستاره‌ها و خوشبختی راهنمایی کند.

آغاز راه در کشور عربستان و در شهر مکه، کوهی وجود دارد که نام آن «حرا» است. بالای این کوه، غاری کوچک قرار دارد که قسمتی از آن را نور خورشید روشن می‌کند و قسمت‌های دیگرش، تاریک است. آن مکان، جایی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روزها و شب‌های زیادی به آن جا می‌رفت و به راز و نیاز با خدا مشغول می‌شد. در یکی از شب‌های بیاناتی ماه رجب، اتفاق بزرگی افتاد که سرنوشت انسان‌ها را عوض کرد. در آن شب، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که چهل ساله بود، در غار حرا مثل شب‌های دیگر مشغول عبادت و راز و نیاز با خدا بود. ناگهان دید جبرئیل وارد غار شد، جبرئیل نوشته‌ای به همراه

انتشار دو کتاب از سازمان انرژی اتمی ایران



کتاب انرژی هسته ای به زبان ساده نوشته رسول محمودی و محمدرضا فتاحی در سال ۱۳۹۳ منتشر شد و تاکنون بیش از چندین نوبت چاپ داشته است. این کتاب در ۸۰ صفحه به صورت مصور و جدول منتشر شده است. موضوع آن انرژی اتمی و ادبیات نوجوانان است. این کتاب در ۸ بخش است که بخش اول به مواردی برای تولید نیروی برق از چه روش‌هایی استفاده می‌شود؟ پاسخ داده می‌شود. همچنین در بخش دوم چرا از اورانیوم به عنوان سوخت هسته ای استفاده می‌شود؟ بخش سوم به چرخه سوخت و بخش چهارم به هسته اتم چگونه شکافته می‌شود می‌پردازد. در بخش پنجم به با یسمان‌های پرتوزا چه میکنند؟ و بخش ششم سیستم‌های ایمنی نیروگاه تا چه اندازه مطمئن هستند؟ پرداخته می‌شود. در بخش هفتم پرتوی دریافت شده از نیروگاه

هسته ای چقدر است؟ در بخش پایانی به شیوه جدید پیش روی بشر در تولید برق می‌باشد. این کتاب با اهتمام سازمان انرژی اتمی ایران و راهنمایی‌های دکتر محمدرضا اسکندری و دکتر صمد سبحانیان به چاپ رسیده است. در کتاب درباره انرژی اتمی، سوال دیگری هم دارید؟ به سوالات جوانان در زمینه انرژی هسته ای پاسخ می‌دهد. عبارت انرژی اتمی درست است یا انرژی هسته ای و یا سازمان انرژی اتمی چه کار می‌کند؟ یا مواردی این چنینی آب سنگین چیست؟ ... از جمله سوالاتی بود که در این کتاب به صورت کامل به آن پرداخته می‌شود.



گزارش: ریحانه دیهیم جو

گردآوری: سارا صادقی
منبع: گویا آی تی

بازی



«معرفی برنامه TBH» محبوب نوجوان ها»

اما با این حال با سرعت در حال هر چه محبوب شدن در میان نوجوانان می باشد.

این برنامه توانست در مدت بسیار کوتاهی بس از عرضه‌ی نخستین نسخه‌ی خود در ماه آگوست به رتبه‌ی اول در AppStore برسد و برنامه‌هایی نظیر فیسبوک، جیمیل و اسنپ‌چت را پشت سر بگذارد.

برخی از کارشناسان اظهار می‌دارند که علت چنین محبوبیتی، مثبت بودن نظرسنجی‌ها و القای صلح طلبی و مقابله با خشونت در بین نوجوانان است.

اپلیکیشن tbh، برنامه‌ای است که در هفته‌ی اخیر در صدر جدول اپلیکیشن‌های محبوب AppStore قرار گرفته است.

موضوع این اپلیکیشن، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، مقابله با خشونت و صادق بودن است. tbh مخفف to be honest به معنی صادق بودن است.

این اپلیکیشن بیشتر مناسب نوجوانان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان است.

اپلیکیشن tbh با استفاده از روشی استراتژیک سعی دارد تا نوجوانان را به دوستی و صلح دعوت نموده و معضل خشونت را در بین آنان برطرف سازد.

این اپلیکیشن در حال حاضر تنها در چند ایالت آمریکا عرضه شده است!





شدن او در نظرسنجی هاست. در صورتی که فردی در نظرسنجی‌ها انتخاب شود برنده‌ی جوهر می‌شود و از این طریق می‌تواند قابلیت‌ها مختلف بازی را فعال سازد.

ایلیکیشن fbh به گونه‌ای طراحی شده تا با دسترسی به مخاطبین ذخیره شده در تلفن همراه فرد، دوستان او را شناسایی نموده و از این طریق باعث برقراری ارتباط بین آنان می‌شود.

یکی از قابلیت‌های جالب این بازی این است که با استفاده از آن نوجوانان می‌توانند در نظرسنجی‌های کوتاهی در مورد هم کلاسی‌ها و دوستان خود شرکت کرده و با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. این نظرسنجی‌ها عموماً سوالات کوتاه مثبتی در مورد دوستان فرد هستند.

البته که هویت فردی که به سوالات در مورد دیگری پاسخ می‌دهد ناشناس باقی می‌ماند. با این حال در این بازی امکان مشاهده‌ی افرادی که یک فرد را، طی نظرسنجی‌های مثبت انتخاب نموده‌اند وجود دارد.

علاوه بر این در این ایلیکیشن بازی هیپی نیز وجود دارد که نوجوانان می‌توانند به صورت اشتراکی این بازی‌ها را انجام دهند.

به طور کلی ایلیکیشن fbh دارای قابلیت‌های متنوعی است که فعال شدن آن‌ها برای هر فرد وابسته به انتخاب

♥♥ fbh

«رویای پرواز»

پرواز



هوایمای جت مسافربری

اولین پرواز کنترل شده که به وسیله یک موتور توانست نیروی رانش برای پرواز را بدست بیاورد، برنده رایت ۱ بود که در سال ۱۹۰۳ توسط برادران رایت در ایالات متحده آزمایش شد. اختراع آنها اولین وسیله پروازی بود که کنترل آن کاملاً در دست خلبان بود. از آن زمان به بعد طراحی هوایما به سرعت بهبود یافت به طوری که در جنگ جهانی دوم بسیار مورد استفاده قرار گرفت.

هوایما یا طیاره نوعی هواگرد ثابت بال است که توسط موتور جت یا موتور پیستونی به پرواز در می آید. هوایماها در اندازه‌ها، گونه‌ها و کاربردهای گوناگونی وجود دارند. طیف گسترده استفاده از هوایماها شامل استفاده‌های تفریحی و گردشگری، ترابری عمومی، نظامی و پژوهشی است و برخی نیز تولید شده‌اند تا از راه دور به وسیله یک رایانه کنترل شوند.



بوئینگ ۷۰۷ نیز اولین هوایمای مسافربری بود که از نظر تجاری توانست به موفقیت برسد، در سال ۱۹۷۰ هوایمای بوئینگ ۷۴۷ ساخته شد و برای ۳۵ سال بزرگ‌ترین هوایما مسافری جهان بود و از سال ۲۰۰۵ هوایمای ایرباس آ ۳۸۰ این رکورد را در کلاس مسافربری در دست دارد.

هلیکوپتر چیست!

هلیکوپتر! هواگردی است که برخاستن و بیش‌رانش آن بوسیله یک یا دو ملخ افقی بزرگ صورت می‌گیرد. هلیکوپترها را در رده‌ی هواگردهای بال متحرک طبقه‌بندی کرده‌اند تا بتوان آن‌ها را از هواگردهای ثابت‌بال متمایز کرد. هلیکوپتر در دنیای امروز از مهم‌ترین و براسفاده‌ترین وسایل حمل و نقل به‌شمار می‌آید. این وسیله در سه محور می‌تواند حرکت کند. خلبان هلیکوپتر باید از دو دست و دو پای خود برای خلبانی استفاده کند، که این امر نیاز به مهارت و قدرت تفکر بالا دارد.



«چتربازی یا پاراگلایدینگ»

پاراگلایدر یک ورزش تفریحی و رقابتی مخاطره آمیز است. در هنگام پرواز، خلبان آن پروازی با ویژگی‌هایی مثل سبک وزنی و پرواز آزاد را به‌طور هم‌زمان با یک چتربال که در واقع نوعی بادپر است تجربه می‌کند.



گردآوری: سارا صادقی
منبع: ویکی‌پدیا

طرح اولیه ساخت هلیکوپتر را چینی‌ها، برای اولین بار حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد برای ساخت ارائه کردند. البته لئوناردو داوینچی و یک روسی به نام میخائیل لومونوسوف نیز از کسانی بودند که طرح‌هایی از هلیکوپتر را ارائه دادند، ولی نتوانستند از حرکت بخش اصلی بدنه به دور خود جلوگیری کنند. مدل کوچکی از یک هلیکوپتر، که جایگزین تاپ نام داشت، در سال ۱۷۸۳ وارد عرصه شد. در عرض صد سال بعد، طرح‌هایی که ساخته می‌شد همگی مشکل موتور داشتند. همچنین اولین مدل موتور الکتریکی را توماس ادیسون اختراع کرد. اولین پرواز موفقیت‌آمیز نیز در سال ۱۹۰۷ در فرانسه، البته توسط یک ماکت کوچک، انجام شد که در این پرواز، هلیکوپتر مدل به‌مدت ۲۰ ثانیه در ارتفاع ۳۰ سانتیمتری سطح زمین معلق ماند. هفت سال بعد از ساخته شدن اولین هلیکوپتری که می‌توانست پرواز کند، دو افسر نیروی هوایی مجارستانی هلیکوپتری ساختند که اتفاقاً پروازهای متعددی در ارتفاعات بالا انجام داد، ولی هرگز اجازه پرواز آزاد نداشتند. هلیکوپترهای ساخته‌شده انتظارات را برآورده نمی‌کرد، تا اینکه در سال ۱۹۳۶ شرکت آلمانی «فوک ولف» هلیکوپتری ساخت که سرعت آن ۷۰ مایل بر ساعت و تا ارتفاع ۱۱ هزار پایی بود. در سال ۱۹۴۰ اولین هلیکوپتر برای استفاده‌های نظامی توسط سیکورسکی ساخته شد و اولین پرواز آن صورت گرفت که آن را دو خلبان تا ارتفاع یک کیلومتری زمین در مدت ۱ دقیقه بالا بردند.

شهیدی که الگوی

نوجوانان امروز شد

مستضعفان ابراهیم زمان خمینی بت شکن و باسلام
بیکران به مردم ایثارگر و شهید برور ایران، که
همچون امام حسین و لیلا بسرانشان را به دین
اسلام قربانی می دهند. آری ای ملت غیور شهید
برور ایران درود بر شما درود بر شما که همیشه
در مقابل کفر ایستاده اید و می ایستید تا آخر
قطره خوتتان درود بر شما ای ملت ایران که ای
مشعل داران امام حسین تا آخرین قطره خوتتان از
این انقلاب و از رهبر این انقلاب خوب محافظت
می کنید تا که این انقلاب اسلامی را به نحو احسن به
منجی عالم بشریت تحویل بدهید. وای پدر و مادر
عزیزم اگر این سرتان در راه اسلام به شهادت
برسد افتخار کنید که امام حسین (ع) این قربانی
ناقابل تان را قبول کرده است و افتخار کنید که شما
هم از خانواده شهدا شمرده می شوید و از تمام
همسایه مان و از هم روستائیانمان می خواهیم که
اگر از من سخن بدی شنیده اند و کارها بدی
دیده اید حلال بکنید و برادرانم اسلحه ام را نگذارید
در جا بماند و خواهرانم با حجابش با دشمنان جنگ
کنید. یادآوری می شود به آنها که بدهکار هستیم
امیدوارم اینها آن قرض را بپردازند ماشینی
ایبی ۲ ماشین سنگ آورده بود ۱۰۵۰۰ تومان گرفته
بقیه باقی است.

گزارش: سارا صادقی

عبدالاحد بهارلوتزاد هم‌رزم مرحمت بالا‌زاده
از شجاعت‌های این شهید خاطره ای نقل کرد:
«همه از ترسی و روحیه‌ی خوب جنگی و
رزمندگی و رشادت‌های مرحمت بالا‌زاده تعریف
می کردند من با ابعاد شخصیت او از نقل دوستان
بیشتر آشنا شدم و با توجه به سن کمش از
درک و فهم معنوی بالایی برخوردار بود و خیلی
با سماجت و اصرار مراحل مختلف را طی کرده
بود تا در جنگ حضور پیدا کند و در صحنه‌های
مختلف قابلیت‌ها و شجاعت‌های خود را نشان داده
بود.» مرحمت بالا‌زاده ۱۴ ساله فرزند حضرت‌قلی
متولد ۱۷ خرداد ۱۳۴۹ در انگوت بود وی به
خاطر دفاع از آیین اسلام و عزت، شرف و ناموس
میهن اسلامی به جبهه اعزام شد و در هویزه با
اصابت تازجک به شهادت رسید که بیکر این
شهید را در بهشت فاضل اردبیل دفن کردند.

وصیت نامه برادر مرحمت بالا‌زاد
بنام خداوند بخشنده مهربان
از اینجا وصیت نامه‌ام را شروع می‌کنم
با سلام بیکران به پیشگاه منجی عالم بشریت
حضرت مهدی و با سلام بیکران به رهبر



پدر شهادتت مبارک، راهت ادامه دارد

قوی شده بود که حاضر نبود چشم به نامحرم بیندازد نمازش را در اول وقت می خواند حتی بعد از شهادت پدرش نماز شب را شروع کرد و نماز شب می خواند. قبل از هر نماز قرآن قرائت می کرد. احمد حتی در هنر هم مهارت داشت و نقاشی هایی را ترسیم می نمود. او در نقاشی کشیدن اسلحه ها و توپ ها وهلی کوپتر مهارت خاصی داشت و همیشه آرزوی بزرگش این بود که یک روزی بتواند در جنگ حق علیه باطل شرکت نماید اما این آرزویش چندان طولی نکشید که توانست موافقت مادرش را جهت فراگیری آموزش نظامی در بسیج را بگیرد و پس از گذراندن دوره آموزشی به یادگان شهید پرکنی در شهرستان رامسر اعزام گردید که در این موقع مادر شهید احمد با تماس تلفنی به حاج علی اکبر باستانی که در آن زمان فرمانده یادگان آموزشی ۲۲ بهمن رامسر بود موضوع اعزام احمد را مطرح و فرمود که اگر امکان دارد از اعزام احمد به جبهه را مانع شود که آقای باستانی با هماهنگی فرمانده وقت اعزام نیرو و مقرر گردید که احمد به مدت ۳ ماه در یادگان آموزشی مشغول خدمت شود و با این کار جلوی اعزام احمد گرفته شد اما پس از پایان دوره ۳ ماه مجدداً احمد به گرگان بازگشت اما طولی نکشید که با اصرار زیاد به مادرش در جهت رفتن به جبهه توانست رضایت او را بگیرد و زمانی که اعزام نیروها در طرح لبیک یا خمینی شروع شد احمد هم به جبهه جنوب منطقه دهلران اعزام گردید و پس از اعزام در همان موقع عملیات والفجر ۶ شروع گردید و که احمد در این عملیات شرکت و در این عملیات بیکر باکش در منطقه عملیاتی جنگوله و جیلان مفقود شد و تا به حال بیکر باکش به وطن بازنگردید.

شهید احمد روستنی یساقی ۱۳ ساله فرزند محمد دربانزدهم آذر سال ۱۳۴۹ در شهر گرگان متولد شد. وی در سوم اسفند سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید. شهید احمد در اواخر آذرماه ۱۳۴۹ چشم به جهان گشود این فرزند خوش سیما گل سرسید خانواده بود ۵ ساله شد که در کلاسهای آمادگی و پیش دبستانی شرکت کرد و پس از رسیدن به سن ۶ سالگی به مدرسه راه یافت و در سههائش را به خوبی می خواند بطوریکه مورد رضایت مربی و اولیای خود قرار گرفت احمد بسیار حرف گوش کن و مهربان بود زمانیکه انقلاب اسلامی شروع شد او به همراه پدر در تظاهرات و راهپیماییها شرکت می کرد احمد دوران ابتدایی را تا مقطع چهارم در مدرسه ۲۲ بهمن گرگان و مقطع پنجم را در استان قم طی نمود و مجدداً دوران راهنمایی را در گرگان در مدرسه سردار جنگل شروع نمود در همین ایام بود روزی پدرش از احمد پرسید بسم اگر من شهید شوم شما چه می گوئید؟ احمد گفت: پدر جان اگر شهید شوی می گویم پدر شهادتت مبارک، راهت ادامه دارد. هنوز احمد دوره اول راهنمایی را به پایان نرسانده بود که پدرش شهید شد وقتی که بیکر یاک پدر شهیدش را آوردند او بالا سر پدر ایستاد بدون آنکه اشکی بریزد محکم و با غرور و افتخار روی تابوت را باز کرد و با شجاعت و دلیرانه لبخندی زد و بوسه ای بر لبان پدر زد و گفت: پدر جان شهادتت مبارک، ان شاءالله راهت را ادامه خواهیم داد و بعد از این احمد آرام و قرار نداشت در این هنگام به ورزش روی آورد و در کلاس های کاراته و همچنین در کلاس های بسیج شرکت می نمود او می خواست جسمش به همراه ایمانش را قوی نماید تا جاییکه احمد انقدر ایمانش





مسابقه

به مناسبت اعیاد شعبانیه و عید نوروز برگزار می‌کند:

«مسابقه شعر»

با موضوعات:
ایثار و از خودگذشتگی
عید، تازگی و طراوت

جوایز:

به ۱۰ نفر از برگزیدگان به قید قرعه،
جوایز نقدی تقدیم خواهد شد.

عزیزان می‌توانید اشعار خود را به آدرس
خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعراء بهار شمالی
- شماره ۵ ساختمان شهید سلیمانی طبقه سوم دفتر
مجلات شاهد ارسال کنید.

mag.navideshahed.com

مهلت ارسال آثار تا پایان فروردین ماه ۱۳۰۰

۵۰



شهید احمد روشنی یساقی

وصیت نامه

به نام او که هر چیزی از اوست با نام الله باسدار حرمت خون شهیدان باد رود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و رزمندگان اسلام.
انا لله و انا الیه راجعون

ما همه از خدا هستیم و به سوی خدا رجعت می نماییم. آنچه را که در این انقلاب آموختیم اخلاص و ایثار بود. خدایا تو شاهدی که من صرفاً برای جنگیدن هجرت نکرده ام بلکه هدف اصلی مبارزه با هواهای نفسانی است همه باید بدانند من آگاهانه و عاشقانه با انتخاب خود در این راه قدم گذاشتم لذا اگر توفیق بیشتری پیدا کردم و شهادت نصیبم شد بجای آنکه بر من گریسته و عزاداری کنید از خداوند غفور و رحیم برایم طلب آمرزش و عفو بنمائید. ای مردم با ایمان ای بدران و ای مادران گرامی ای برادران و ای خواهران گرامی بنده وظیفه خود دانستم که از اسلام عزیز و انقلاب بزرگ و خاک پاک میهن اسلامی خود دفاع کنم شما می دانید چقدر این انقلاب خونها برایش ریخته شده تا به ثمر رسید. بنا به مسئولیت شرعی خود وظیفه خود دانستم که در این نبرد شرکت نمایم که در این راه پیروزی و شهادت هر دو رستگاری و سعادت است و شکر خدای را که به من سعادت جنگیدن در راهش را عطا فرمود. خدایا تو نیک می دانی که فقط برای تو و برای تعالی و خالص شدن خودم قدم در این راه گذاشتم پس ای خدای بخشنده قسم به بزرگیت شهادت را نصیبم بگردان و ای شهیدان که به اوج کمال خود رسیده اید ما را نیز دعا کنید که در زمره ی شما قرار گیریم. چه زیبا و دوست داشتنی است خالصانه در راه خدا قدم برداشتن و به درجه والای انسانیت رسیدن وجه زشت و ناپسند است در خانه و در بستر مردن که همیشه از چنین مرگی هراس داشتم. زیرا که دنیا و زندگی دنیایی محل آزمایش و امتحان است پس چه بهتر که فرزندان آخرت باشیم. مادر جان: من شهیدان را دوست دارم و می خواهم در صف شهدا قرار گیرم. مادر خواهشی از تو دارم وقتی شهید شدم برایم گریه نکن باید خوشحال باشی که من به سعادت رسیدم و شهید شدم. مادر جان: وقتی بر سر جنازه ام آمدی دستهایت را بلند کن و بگو: خدایا این هدیه ناقابل را از من قبول کن

خدایا پرواز را به ما بیاموز تا مرغ دس آموز نشویم و از نور خویش آتش در ما بیافروز تا در سرمای بی خبری
نمانیم.

خون شهیدان را در تن ما جاری گردان تا به ماندن خو نکنیم و دست آن شهیدان را بر پیکرمان آویز تا مشقت
خونین شان را برافراشته داریم.

خدایا چشمی عطا کن تا برای تو بگرید و دستی عطا کن تا دلمانی جز تو نگیرد پایی عطا کن که جز راه
تو نرود و جانی عطا کن که برای تو برود.

